

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه تاریخ
پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: تاریخ ایران باستان

عنوان:

کندوکاوی در سیاستهای مذهبی نخستین شاهان هخامنشی (کورش،
کبوجیه، داریوش، خشیارشا) و مذاهب رایج در شاهنشاهی هخامنشی

استاد راهنما :

دکتر نادر میرسعیدی

استاد مشاور :

دکتر مهرناز بهروزی

پژوهشگر :

خدیجه برزکار

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم،

آنان که عشق ، احساس و لطافت روح را به من آموخته اند.

و تقدیم به آنان که در راه آگاهی ، حقیقت جویی و دانش بشری گام بر می دارند.

تقدیر و تشکر:

با سپاس فراوان از اساتید محترم و بزرگوار جناب آقای دکتر نادر میرسعیدی، جناب آقای دکتر فیاض زاهد و سرکار خانم دکتر مهرانز بهروزی که با راهنمایی هایشان مرا در پیشرفت پژوهش یاری کرده اند.

«هر آن کس که علم و هنر دارد دین هم دارد و آن کس
که این دو را ندارد پس بگذار دین داشته باشد»
گفته ■

تمهید نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب خدیجه برزکار دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۱۶۵۴۰۰ در رشته تاریخ در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۲ از پایان نامه خود تحت عنوان "کندوکاوی در سیاستهای مذهبی نخستین شاهان هخامنشی (کوروش، کبوجیه، داریوش، خشیارشا) و مذاهب رایج در شاهنشاهی هخامنشی" با کسب نمره ۱۷/۵ و درجه بسیارخوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلا برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: خدیجه برزکار

تاریخ و امضاء



بسمه تعالی

در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۲۲

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم خدیجه برزگار از پایان نامه
خود دفاع نموده و با نمره ۱۷/۵ بحروف مفرداً و نیم و با درجه عالی
مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما



فهرست

صفحه

عنوان

چکیده

مقدمه

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- بیان مساله ۲
- ۲-۱- هدف های تحقیق ۲
- ۳-۱- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه های انتخاب آن ۳
- ۴-۱- سوالات تحقیق: ۳
- ۱-۴-۱- سوالات اصلی: ۳
- ۲-۴-۱- فرضیه اصلی: ۳
- ۳-۴-۱- سوالات فرعی: ۴
- ۴-۴-۱- فرضیه فرعی: ۴
- ۵-۱- مطالب نظری (نظریه پردازی): ۵
- ۶-۱- تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق ۷
- ۷-۱- پیشینه تحقیق: ۸

فصل دوم: وضعیت مذهب در ایران پیش از هخامنشی

- ۱-۲- نگاهی اجمالی به ادیان آریایی ۱۱
- ۱-۱-۲- زندگی و اعتقادات مذهبی در ایران وئجه: ۱۱
- ۲-۲- طبقه بندی آریاها بر اساس معیشت: ۱۵
- ۳-۲- عمده ترین ایزدان مورد پرستش آریاها: ۱۹
- ۴-۲- دین و اعتقادات مردم ایلامیان: ۳۳
- ۵-۲- اندیشه های زرتشت ۳۶
- ۱-۵-۲- ظهور زرتشت و تعلیمات او (نیرو های خیر و شر) ۳۶
- ۶-۲- دین مغان و مادها: ۴۴
- ۱-۶-۲- مغان و دیانت زرتشتی: ۴۸

فصل سوم: ادیان نخستین پادشاهان هخامنشی و اعتقادات آنها

- ۱-۳- ادیان نخستین پادشاهان هخامنشی و اعتقادات آنها ۵۵
- ۲-۳- دین و اعتقادات کورش (۵۲۹ ؛ ۵۵۹ ق.م) ۵۷
- ۳-۳- کبوجیه ، دین و اعتقاداتش: ۶۲
- ۴-۳- دوره فترت و اعتقادات گنوماته (۵۲۲ ق.م) ۶۵

۷۳	۳-۵- دین داریوش و اعتقاداتش
۸۳	۳-۶- دین و اعتقادات خشیارشا (۴۶۵؛ ۴۸۶ ق.م.)
	فصل چهارم: آیین و مراسم مذهبی عهد هخامنشی
۹۲	۴-۱- آیین و مراسم مذهبی عهد هخامنشی
۹۶	۴-۲- آتشگاه ها و معابد:
۹۹	۴-۳- آثار مذهبی هخامنشیان
۹۹	۱- فروهر اهورمزدا:
۱۰۱	۲- حضور ادیان در کتیبه های شاهنشاهی هخامنشی
۱۰۳	۴-۴- شتین و مغ
۱۰۳	۴-۵- کتیبه یک سنگ مزار قائم در سقاره
	فصل پنجم: سیاستهای مذهبی هخامنشیان نسبت به ملل تابع
۱۰۷	۵-۱- سیاستهای مذهبی هخامنشیان نسبت به ملل تابع:
۱۰۷	الف) هخامنشیان و بابلیان
د	۱-
۱۰۷	ین بابلی
س	۲-
۱۱۲	یاست های دینی هخامنشیان در بابل
۱۱۶	ب) هخامنشیان و یهودیان
۱۱۶	۱- تاریخچه یهود
۱۱۷	۲- سیاست مذهبی هخامنشیان نسبت به یهودیان
۱۲۲	ج) هخامنشیان و مصریان
۱۲۲	۱- اعتقادات مصری
۱۲۸	۲- سیاست های دینی هخامنشیان نسبت به مصریان
۱۳۸	د) هخامنشیان و یونانی های آسیای صغیر یا ایونی ها
۱۳۸	۱- دین یونانی
۱۴۱	۲- سیاست مذهبی هخامنشیان نسبت به ایونی ها
۱۴۸	نتیجه گیری کلی
۱۵۲	ضمائم
۱۶۵	فهرست منابع
۱۷۲	فهرست مقالات فارسی

چکیده

هدف از این تحقیق پی بردن، به برخی نکات جدید در زمینه نگرش مذهبی هخامنشی ها و بینش دینی آنها نسبت به اعتقادات اقوام تابع است که از طریق مقایسه قرار دادن اعتقادات مذهبی ملل تابع چگونه و تا چه اندازه در روش های به کارگیری سیاست های مذهبی که هر کدام از شاهان نخستین هخامنشی با ملل تابع اتخاذ کرده بودند، تاثیر گذاشته است. حالت توصیفی و مقایسه ای روش های به کارگیری در این تحقیق بوده است. محتوی اصلی پایان نامه، بررسی دینهای رایج در شاهنشاهی هخامنشی است با نگاهی دورتر به مذاهب قبل از این دوره یعنی دین زرتشت و دین کهن آریایی همراه با آیین ها و مراسم و اعتقادات آنها و همچنین اعتقادات دینی شاهان نخستین که تا اندازه ای نوع نگاه و روش آنها را در به کارگیری سیاست تسامح و تساهل مذهبی تحت شعاع خود قرار داده است و سرکوب مذهبی بعضی از شاهان هخامنشی با تابعان خود که بنا به دلایلی اتخاذ کرده بودند. از دیگر مطالب کلیدی گفته شده این تحقیق مقایسه قرار دادن تمدن، فرهنگ و دین های کهن ملل تابع به خصوص مصر و بابل است که شاهان هخامنشی را در عملکرد سیاست مذهبی شان نسبت به اقوام تابع، کمک شایانی کرده است. برای اثبات موضوع مورد بحث این تحقیق نیازمند به اسناد و مدارک و تصاویری بود که از آنها تحت عنوان آثار مذهبی یاد شده است که روش ها و اعتقادات سیاسی، مذهبی شاهان هخامنشی را به نوعی نشان می دهد. شاید بتوان این نتیجه را گرفت: که سه دلیل برای اجرای سیاست دینی شان وجود داشت: ۱؛ شاهان هخامنشی تمایل به گسترش محدوده شاهنشاهی خود از طریق استفاده ابزاری از دین که در آن زمان قوی تر از سیاست به نظر میرسید، به هدف خود نزدیکتر شوند، ۲؛ آنها تا حدی تحت تاثیر دین کهن آریایی و مذهب زرتشت قرار بودند. ۳؛ ادر نهایت آنها با تمدن و فرهنگ و دین های مستحکمی نسبت به بابل و مصر و تا حدودی یونان مواجه بودند که با خصوصیات شاهنشاهی هخامنشی یعنی نداشتن ادبیات پارسی، دانش پژوهی و فلسفه قوی نسبت به این ملل نیازمند به سیاست مداراجویانه و آسان گیری مذهبی را داشته اند که ممکن است بهره گیری از این سیاست خود نوعی تحت تاثیر تمدن قوی تر کهن شرقی بوده باشد.

مقدمه

مبارزه بین دین و سیاست به مقوله تاریخی دوره نخستین شاهان هخامنشی موضوع تحقیقی است که با کنار هم قرار دادن وقایع تاریخی و جامعه‌شناختی تاریخی این دوره و ملل تابع محقق را به اهداف خود نزدیکتر کرده است. به واقع اگر بخواهیم اعتدال را حفظ کنیم و به دامن افراط و تفریط گرفتار نیاییم، حق این است که باید به همان اندازه هند و ایران یا هند و آریایی باستان، آسیای غربی و به ویژه بین‌النهرین و اساطیر کهنش را نیز در دستور کارمان قرار دهیم که خوشبختانه این نظریه اخیراً در ایران‌شناسی پذیرفته شده است. بر این اساس ابتدای فصل نگاهی کوتاه به ادیان آریایی، زندگی و اعتقادات مذهبی در ایران و نجه آغاز شد. همچنین در ادامه این فصل ظهور زرتشت، دین و تعلیمات او و رابطه مغان با دیانت زرتشتی و موضوعاتی بودند که مورد بحث قرار گرفتند. ادیان شاهان نخستین هخامنشی و اعتقادات آنها از جمله کورش، کبوجیه، داریوش یکم و خشایارشا مواردی هستند که در فصل سه عنوان شده است. بعد از دوره کبوجیه مبارزه دینی را شاهدیم که با نوعی دین ستیزی بین گنوماته و داریوش یکم تیتری با عنوان دوره فترت و اعتقادات گنوماته (۵۲۲ ق.م) مواجه ایم، که به این مطلب نیز در این فصل پرداخته شده است. فصل چهارم این تحقیق از آیینها و مراسم دینی دوره هخامنشی که یکی از آداب و رسوم طریقه تدفین اجساد یا مردگان بود، همراه با نشانه‌هایی از آتشگاه‌ها و معابد در این دوره مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت آخر این فصل حضور ادیان در آثار دینی (با تصاویر در این تحقیق نشان داده شده است) دوره هخامنشیان از جمله فروهر اهور مزدا و کتیبه‌ها که به نوعی تاثیر دین را در این آثار می‌بینیم، سخن رفته است. سیاست مذهبی شاهان هخامنشی نسبت به ملل تابع غرب از جمله بابلیان، یهودیان، مصریان، یونانیا همراه با معرفی دینهای هر کدام از این ملل تابع دوره هخامنشیان و تأثیراتی که این دینها توانستند روی سیاست مذهبی شان گذاشته باشند، موضوعات مورد بحث فصل پایانی، این تحقیق است. از مطالب گفته شده چنین به نظر می‌رسد که شاهان هخامنشی در کنار هدف گسترش بخشی شاهنشاهی، با تأثیر پذیری دین کهن آریایی، زرتشتی و همچنین دینهای ملل تابع، زمانی که نیاز به سرکوب دینی بود به مبارزه دینی می‌پرداختند و بر عکس جایی که نیاز به سرکوب نبود به دینهایشان احترام می‌گذاشتند.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسأله

چگونگی دیدگاه مذهبی، فرهنگی شاهان نخستین هخامنشی و رفتار آنها در زمینه مذهب و اعتقادات با اتباع زیر دست خود در مناطق مختلف و این که شاهان هخامنشی در زمان های مختلف بنا به سیاست های مقطعی خود چه رویه ای را در ارتباط با اتباعشان اتخاذ می کردند. بطوری که در مواردی، آنها نسبت به اتباع زیردست خود سیاست مدارا و تسامح در پیش می گرفتند، مانند کورش در مورد یهودیان و داریوش در مورد مصریان، یعنی در مواردی که نیاز به سرکوب نبود از سرکوب مذهبی خودداری می کردند. و سعی می کردند دل تابعان خود را به دست آورند. و برعکس گاهی اوقات برخی از شاهان هخامنشی بنا به دلایلی به سرکوب مذهبی اقدام می کردند. مانند خشایارشا اول که مجسمه مردوک را از بین برد تا در بابل وسیله توسل به آن برای حکومت را از بین ببرد و کبوجیه که به علت مشکلات روحی گاو آپیس مصریان را کشت.

۱-۲- هدف های تحقیق

پی بردن به برخی نکات جدید در زمینه نگرش مذهبی هخامنشی ها و نیز بینش مذهبی آنها نسبت به اعتقادات اقوام ملل تابع، یا به عبارتی روش های به کارگیری سیاست مذهبی که هر کدام از شاهان هخامنشی با تابعان خود اتخاذ کرده بودند.

۱-۳- اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه های انتخاب آن

وضعیت استثنایی دیدگاه مذهبی شاهان هخامنشی نسبت به اتباع خود که در مقایسه با سایر شاهان آن زمان که مذهب اتباع را سرکوب می کردند، متفاوت بود. انگیزه من از تحقیق روشن کردن برخی نکات مبهم در مورد وضعیت تساهل و تسامح شاهان هخامنشی و نگرش مذهبی آنها که به نوعی و تا حدی تحت تاثیر دین کهن آریایی، زرتشتی و نیز دین کهن ملل شرقی بوده است.

۱-۴- سوالات تحقیق

۱-۴-۱- سوالات اصلی

۱- تسامع و تساهل کورش نسبت به اقوام و نژادهای دیگر صرفاً به دلیل روحیات اخلاقی اش بود یا به منافع اقتصادی، سیاسی، شناختشاهی اش بود؟

۱-۴-۲- فرضیه اصلی:

گزنقون کورش را دارای چنین خصلت های اخلاقی می دانست، اما طبیعتاً منافع سیاسی شاهنشاهی او در این کار بی تاثیر نبوده است. همچنین در «کارنامه نبونید» روش تسامع و تساهل او را زیر سوال برده و در جایی که به سرزمین ماد حمله می برد از او به عنوان کسی که قتل و غارت کرده، یاد می کند.

۲- علت مخالفت روحانیون و کاهنان مصری نسبت به کبوجیه چه بود؟

فرضیه اصلی: از آغاز تسخیر مصر سه معبد بزرگ و اصلی کشور اجازه داشته اند تمام امتیازات خود را حفظ کنند. اما کبوجیه موافق آن نبود که درآمدهای کلانی به جیب روحانیون و کاهنان مصری سرازیر شود.

۳- اعتقاد مذهبی داریوش چگونه و تا چه اندازه توانست روی سیاست مذهبی اش در ارتباط با مخالفانش تاثیر گذارد؟

فرضیه اصلی: ثنویت اخلاقی میان دروج و اشه می توانست به عنوان ویژگی یک تفکر سیاسی و یک موقعیت اجتماعی تلقی کرد، موقعیتی که نظام چوپانی مجبور بود با قبایل وحشی همیشه در مبارزه باشد. از نظر زرتشت این قبایل وحشی که باعث از بین برنده نظام صلح جو و کشاورزی است و شورشگر، دروغگو، دستور اهورمزدا را مبنی بر مبارزه با دروغ، عملی می سازد.

۴- چه دلایلی باعث بروز سیاست مذهبی شاهان هخامنشی (تسامع و تساهل مذهبی) نسبت به ملل تابع شده بود؟

فرضیه اصلی: الف) گسترش بخشی محدوده شاهنشاهی که برای رسیدن به این هدف نیازمند به نیروهای قدرتمند و وفادار اقوام وصل تابع که مجبور تابعیت بودند، بوده (به طور مثال، پایگاه های نظامی یهودی در الفانتین برای پاسداری از مرزهای غربی ایران در دوره کبوجیه، و نیز سپاه جاویدان یونانی در شاهنشاهی داریوش). ب) دین ملل تابع از جمله بابل و مصر قدیمی تر و نیرومندتر از دین نو ظهور زرتشتی بود و همچنین از تمدن و فرهنگ پیشرفته تری نسبت به تمدن ایران باستان دوره هخامنشیان برخوردار بوده است. به همین دلیل برای عقب نماندن از این تمدن جوامع همسایه غربی دست به سرکوب اعتقادات مذهبی نزدند بلکه با احترام از خدایان آنها یاد کردن و بازسازی معابد ملل تابع، در مقابل مردم به نیکی ظاهر شده تا به اهداف خود نزدیکتر شوند.

۱-۴-۳- سوالات فرعی:

۱- چرا دوره شاهنشاهی هخامنشی دین مشخص و رسمی نداشتند؟

۱-۴-۴- فرضیه فرعی:

از آنجا که شاهنشاهی هخامنشی دوره کورش مرز محدوده مشخصی نداشت، برای گسترش بخشیدن به شاهنشاهی به نظر می‌رسد که با تاثیر پذیری از تمدن بابل و مصر که هر شهری برای خود خدای مخصوص به خود را داشت و هر کس به هر خدایی که تمایل داشت را مورد پرستش قرار می‌داد، نوعی آزادی دینی ور و امرداری را در اندیشه کورش و جانشینان بعد خود بیدار کرده باشد، به همین دلیل ما با پرستش عناصر طبیعت چند خدایی و دین زرتشت را در شاهنشاهی هخامنشی شاهد هستیم.

۲- آیا مغان زرتشتی بودند؟

فرضیه فرعی: غلط است اگر تصور کنیم که مغان نوعی از به دین را ارائه کرده اند، زیرا زمانی آنها را در حال انجام فرایضی مربوط به قربانی می‌یابیم و زمانی گفته می‌شود که آنها از قربانی و مراسم آیینی آن نفرت دارند و یا این که آنها ناظر بر مراسمی اند که خود ایستاده و دیگران قربانی تقدیم می‌دارند. به نظر می‌رسد موقعیت آنها با لویت‌ها (Levite) در میان یهودیان و نزدیکتر به آن در میان برهمنان هنری مطابقت داشته باشد. آنها در واقع طبقه ای موروئی بودند که نظارت بر دین ملی بدان‌ها سپرده شده بود.

قلمرو تحقیق: قبل از پرداختن به موضوع اصلی تحقیق، در زمینه دینها و اعتقادات دوره قبل از هخامنشیان و این که از چه آداب و رسومی برخوردار بودند، پرداخته شده است.

بر اساس این به دینهای شاهان نخستین هخامنشی و نیز تا چه اندازه از دوره قبل از خودشان تاثیر گرفتند هم صحبت شده است. مهمترین قسمت مطلب نیز سیاست های مذهبی که کورش، کبوجیه، داریوش و خشیارشا با ملل همجوار غرب خود به کار گرفتند. البته قبل از آن هم دینهای جوامع غرب ایران نیز مورد بررسی قرار گرفته و تاثیر پذیری این دین‌ها در سیاست های مذهبی شاهان هخامنشی چه تغییراتی را ایجاد نموده است.

۱-۵- مطالب نظری (نظریه پردازی)

پیربریان، در کتاب خود، «امپراطوری هخامنشیان» و داندامایف در کتاب «ایران در زمان نخستین شاهان هخامنشی» بدون هیچ غرض ورزی با تکیه بر اسناد، سیاست مذهبی هخامنشیان را تاثیر گرفته از جوامع کهن شرقی چون مصر و بابل می‌دانستند. چون شاهان این جوامع زودتر از شاهان هخامنشی دست به سیاست دینی چون بازسازی معابد و بازگرداندن تندیس و خدایان به شهرهای فتح شده، زده بودند. (مانند نبوکدنصر) ویل دورانت در کتاب، «تاریخ تمدن» دلیل قدرتمند بودن دین را نسبت به سیاست، روش به کارگیری سیاست مذهبی شاهان هخامنشی می‌دانست.

یوزف وسیهوفر در کتاب «ایران باستان» و جان مانوئل کوک در کتاب «شاهنشاهی هخامنشی» و ریچارد فرای در کتاب «میزان باستانی» نظریه مثبت تری نسبت به پیربریان و داندمایف دارند این که اصول اخلاقی رفتاری آنها را برگرفته از دین زرتشت که روی آنها تاثیر مثبت گذاشته بود، می دانستند و اصولاً آنها را شاهان آسان گیر و رومدار معرفی کرده اند. گرشویچ نیز در کتاب «تاریخ کمبریج، جلد ۲» معتقد به همین نظریه بوده است و تا حدودی هم سیاست مذهبی آنها را دلیل بر وسعت بخشیدن به شاهنشاهی می دانستند. از طرفی در قسمت دیگری از کتاب تاریخ کمبریج رفتار بعضی از شاهان هخامنشی دور از اصول اخلاقی عنوان شده است. چون در همین کتاب آمده که در کارنامه نبونید کورش را در فتح ماد و بابل مردی غارتگر و قاتل یاد کرده است.

ماریا بروسیوس «شاهنشاهی هخامنشی از کورش بزرگ تا اردشیر اول» و هاید فاری کخ در کتاب «از زبان داریوش» همراه با اکثر پژوهشگران و مورخان سیاست مذهبی داریوش را بیشتر از دیگر چهار شاه هخامنشی زیر سوال برده اند. این که برای مشروعیت دادن به حکومت خود از دین استفاده ابزاری نموده و اهور مزدا را دلیل مشروعیت حکومت خود می دانست این دو معتقدند که شاهی نبودن خاندان داریوش دلیل مشروعیت دادن به حکومت از طریق دین می باشد و با رسم یک تبار نامه ای از فهرست شاهان هخامنشی از داریوش آن را اثبات کرده اند.

در مورد دین هخامنشیان نیز اکثر مورخان و پژوهشگران، دین زرتشتی نمی دانند، به جز مری بویس در کتاب «تاریخ کیش زرتشت» کورش را یک زرتشتی می دانست. اکثر آنها چه نویسندگان ایرانی و چه خارجی دین هخامنشیان را به سه قسمت: دین مردم، دین روحانیون و دین پادشاهان تقسیم می کنند.

گراردونیولی در «آرمان ایران» دین هخامنشیان را با به کارگیری از زبان شناسی تاریخی، متفاوت از دوره زرتشت می داند. «یکی زبان ضرورتاً زبان سیاسی دربار است و دیگری، زبان مذهبی روحانیون» وی معتقد است که کتیبه های پارسی باستان بازتاب روند دگرگونی جامعه ای سرشار از روشهای سنتی روحانی به جامعه ای ضرورتاً حاوی و غیر روحانی است که دست کم تا جایی که به این ارزشها مربوط است، مشخصه اصلی آن، نوعی سلطنت مطلقه بوده است. در کتاب «طلوع و غروب زرتشتی گری» آر. سی. زنر آمده است که دین دوره آریایی ها، دو نیروی اسوره ها و اهوره ها در جدال با یکدیگر نبوده و همدیگر را همزاد پنداشته و یکی دیگری را حذف نمی کند بلکه در دوران زرتشت ستیز بین این دو نیروی خیر و شر وجود دارد. اما در زمان هخامنشیان حضور این خدایان کم رنگتر شده و یگانه پرستی اهور مزدا به خصوص از دوره داریوش و خشیارشا عنوان می گردد که آن هم برای مشروعیت بخشیدن به حکومت بوده است. عملی که گراردونیولی این تفاوت ها را از طریق زبان شناسی مشخص کرده است.

۱-۶- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

دو احتمال در مورد گوناگونی دین هخامنشیان وجود دارد در این که چرا آنها دینی را به عنوان دین رسمی برای خود همانند ساسانیان، انتخاب نکردند؟ یکی این که هنوز مرزهای مشخصی برای حکومت تعیین نشده بود و هر لحظه از طرف مهاجمان وحشی چون آشوری‌ها و سکاها مورد تهاجم قرار داشته و مرزهای هخامنشی را در خطر جدی قرار می‌داد. و از طرفی آنها بیشتر سعی در وسعت بخشیدن شاهنشاهی خود داشتند و به همین دلیل شاید فرصت آن را نیافتند که دین مشخص و رسمی را برای خود برگزینند. احتمال دوم: شاهنشاهی هخامنشی از طرفی با فرهنگ‌ها و دین‌های متمدن و نیرومندتری مواجه بود که هر کس در شهر خود آزاد بود خدای مورد نظر خود را ستایش کند، به همین جهت به نظر می‌رسید شاهان هخامنشی به خصوص کوروش در آزاد گذاشتن مردان خود چه در پارس و چه در بابل حق انتخاب و آزادی را برای همه محترم بشمارند. چه بسا که دین زرتشت هم این حق را برای پیروانش آزاد گذاشته بود.

در کنار هم قرار گرفتن کلمه «دیگر خدایان» در کنار اهور مزدا، با توجه به کتیبه‌های داریوش و خشایارشا نشان دهنده این است که در دوران هخامنشی دین چند خدایی همراه با پرستش عناصر طبیعت چون آتش و مراسم قربانی برای خدایان وجود داشت که این با دین وحدانی زرتشت در تضاد بوده پس آنها هنوز دین و اعتقادات کهن آریایی را فراموش نکرده‌اند. بر این اساس سیاست مذهبی آنها نسبت به پارسیان و ملل تابع، با دین‌ها و اعتقادات مختلف، یکسان بود و آن عملکرد سیاست تسامع و تساهل مذهبی برای هر دو گروه بوده است. کوروش برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود در بابل از بل؛ مردوک خدای بابلی کمک می‌گیرد تا شاید زودتر و آسانتر به اهداف خود رسیده باشد. داریوش متأثر از دین زرتشت برای رسیدن به تخت پادشاهی از اهور مزدا خدای ایرانی مشروعیت حکومت خود را می‌گیرد. بدین گونه، او با زیرکی توانست بر شورش‌ها پیروز گردد. شورش از نظر او دروغ بود و شورشگر دروغگو، با تفکر به این که زرتشت هم دروغ و دروغ را مقابل راستی و اشته می‌دانست با دروغ و شورش مبارزه کرد تا بتواند از طریق دین به اهداف سیاسی خود برسد.

۱-۷- پیشینه تحقیق

در این زمینه پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «سیاست مذهبی مادها و هخامنشیان» که محسن جلیلی گردآورنده آن بوده، کار شده است.

همچنین پژوهشگران غربی چون پیربریان، «امپراطوری هخامنشی»، داندامانیف «ایران در زمان نخستین شاهان هخامنشی» ماریا بروسیوس «ایران باستان» هاید ماری کخ «از زبان داریوش» و دیگر پژوهشگرانی چون جان مانوئل کوک، ویسپوفر، ریچارد فرای و غیره در زمینه دین شاهان هخامنشی و روش سیاست مذهبی آنها نسبت به ملل تابع

کار شده است. محققان ایرانی چون پیرنیا «تاریخ ایران باستان» عبدالحسین زرین کوب «تاریخ ایران قبل از اسلام» علی سامی «تمدن هخامنشی» نیز در این مورد مطالب ارزنده ای از خود به جا گذاشتند.

نتیجه گیری: بنابر آنچه که گفته شد، نیم نگاهی به ادیان و اعتقادات کهن آریایی، دین و تفکر زرتشت دین مغان و ادیان نخستین شاهان هخامنشی بود که از آن گذر کردیم. دست آورد این مذاهب پرستش عناصر طبیعت و اعتقاد چند خدایی و ثنویت اسوره ها و اهوره ها که یکدیگر را همزاد می پنداشتند، بود در دوره بعد زمان زرتشت، اهور مزدا نسبت به دیگر خدایان در اوج این هرم قرار می گیرد و با ستیز بین دو نیروی سپند مینو و انگرمینو، حق انتخاب و اختیار را در ذهن پیروانش تداعی کرد.

دین مغان زرتشتی نبود، بلکه آنها طبقات موروثی بودند که فرمانبردار دستورات دینی ملی در هر زمان و مکان دوره به خصوص خود بودند. چون در جاهایی دیده شدند که برای خدایان قربانی می کنند و در جایی دیگر تنها ایستاده، در مراسم قربانی شرکت کرده اند. شاهان هخامنشی دین رسمی و مشخصی نداشته و به همین جهت در شاهنشاهی شان به گوناگونی ادیان برخورد می کنیم. احتمال این که برای وسعت بخشیدن به شاهنشاهی و مبارزه با مهاجمان وحشی، فرصت رسمیت دادن به دین را نداشتند و یا این که اصولاً آنها انسان های آزادمش و آزاده خواهی بودند، وجود داشت. البته باید در جاهایی شک کرد که شاهان هخامنشی نسبت به حقوق مردم خود شرافت مند بوده باشند. در کارنامه نبؤئید از کورش به عنوان یک فاتح غارتگر و قاتل در فتح ماد و بابل یاد شده است. همچنین است که داریوش تمام دست و پای نه شورشگر را قطع می کند و بعد به قتل می رساند. همه این رفتارها تمام اصول اخلاقی شاهان هخامنشی را در جوانمردی زیر سوال برده است. بر این اساس در جاهایی که احساس خطر کرده و نیاز به سرکوب می دیدند، سرکوب مذهبی می کردند و بر عکس. در واقع شاهان نخستین هخامنشی «دین» را وسیله ای برای دستیابی به منافع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی چه در داخل و چه در خارج شاهنشاهی در نزدیکیتر شدن به سیاست تسامع و تساهل مذهبی، برای خودشان مهم تلقی کردند.

فصل دوم

وضعیت مذهب در ایران پیش از هخامنشی

۲-۱- نگاه‌های اجمالی به ادیان آریایی

۲-۱-۱- زندگی و اعتقادات مذهبی در ایران و نجه:

مورخین، ملت ایرانی را از اقوام آریایی دانسته و از ایران و نجه یا انیران و نجه به عنوان نخستین مکان مشخص زندگی مشترک آنان یاد می‌کنند. ایران و نجه به سراسر ایران زمین بزرگ اطلاق نمی‌شد، بلکه اسم قطعه خاکی بود که نحست ایرانیان در آنجا رحل اقامت افکندند و از آنجا به تدریج پیش رفتند، سراسر ایران زمین را تسخیر کردند. بعدها هم ممالکی را فتح نمودند به نام ایرین یا ایران نامیدند. آریاها همیشه از اقامتگاه اولی خود به نیکی یاد کرده اند و به مرور زمان این مرز و بوم کهن جنبه‌ی مینوی گرفت و به عنوان بهشت روی زمین تعریف شد. (پورداوود، ۱۳۶۶، ج ۱، ۳۸؛ علامه دهخدا در لغت نامه خود زیل لغت ایرانویچ از آن به عنوان "سرزمین و کشور تحفه آریایی" نام برده است: "پس از متفرق شدن آریاییان (هندو ایرانی) در بخشهای مختلف نجد ایران گروهی از آنان در محلی اقامت گزیدند که در اوستا به نام انیرنیم و نجه یعنی سرزمین و کشور تخمه آریایی نامیده شده که محققان آن را خوارزم و خیره حالیه دانسته اند") اوستا مکان ایران و نجه را کنار رود دائیتی، (پور داوود دائیتی را رود جیحون امروزی می‌داند. از این رواین رود در ادبیات اوستایی مکرر نام برده شده است. بطور نمونه، در کنار همین رود اهور مزدا، اردویسورا ناهید را ستایش می‌کند. آبان پشت فقره ۱۷. پور داوود، ۱۳۶۶، ج ۱، ۵۲) مکان فرمان روایی جمشید؛ جم، یم، بیمه، ذکر کرده است.

در این مکان انسانها با خدایان انجمن داشتند، زندگی همراه با شادی، سلامتی خرسندی و بيمرگی بوده (پور داوود، ۱۳۰۵، ۹۶ به نقل از یسنا هات ۹ فقره ۵) و چون نسل انسانها فزونی یافت، به خواهش از جمشید زمین سه بار فراخ گردید. جمشید به امر اهورا مزدا ورجمکرت را ساخت. (ورجمکرت یا ورجمکرد یک دژ زیر زمینی است که در فرگرد دوم از وندیدا به تفصیل درباره آن سخن رفته و بنا بر بند ۱۴ همان فرگرد محل آن در پارس معلوم شده است. کریستین سن، ۸۴، ۱۳۶۷) بدین وسیله مخلوقات و عالم هستی از خطر مرگ بدور ماندند. جمشید که تا این زمان معتقد به اهورا مزدا و دارای فربه ایزدی بود با دعوت مردم به گوشتخواری (یسنا هات ۳۷ بند ۶، نگاه زنر نیز درست به نظر می‌رسد که قربانی گاودر مراسم شبانه پس از صرف نوشابه سکرآور هوما، هومه؛ مطابق شعائر باستانی؛ مورد اعتراض بوده است. زنر، ۱۱۶، ۱۳۸۷) وگرایش به دروغ آن فره را